رخداد

اخراج ۲ متهم به تجاوز از ایران

۲ متهم افغانستانی دختری ایرانی را مورد آزار و اذیت قرار داده بودند

● **شرق:** دو فروشنده افغانستانی که به اتهام تجاوز به یک دختر بازداشت و محاکمه شدند، از سوی هیئت قضائی به شلاق و اخراج از کشور محکوم شدند. به گزارش خبرنگار ما، چندی پیش دختر جوانی با ظاهری آشفته به اداره پلیس رفت و ادعا کرد دو مرد جوان که امیر و امید نام دارند، به او تجاوز کرده‌اند. او به مأموران گفت: برای خرید لباس به مغازه رفته بودم، قبلا هم از آنجا خرید کرده بودم و فروشنده‌ها را می‌شناختم. برای رفتن به توالت به طبقه بالای مغازه که به‌عنوان انبار از آن استفاده می‌کنند، رفتم که متوجه شدم یکی از فروشنده‌ها پشت سرم به طبقه بالا آمد و با روسری جلوی دهانم را گرفت و به من تجاوز کرد. بعد از چند دقیقه، برادرش به طبقه بالا آمد. از او کمک خواستم؛ اما او نیز من را آزار داد. مأموران با شنیدن این خبر، تحقیقات خود را در این زمینه آغاز کرده و از دو مرد جوان بازجویی کردند. آنها به مأموران گفتند دختر را نمی‌شناسند و هرگز به او آزار نرسانده‌اند؛ اما نتایج بررسی‌های پزشکی قانونی حاکی از آن بود که امیر با این دختر جوان رابطه برقرار کرده است. در ادامه تحقیقات، امیر هنگامی که متوجه شد مأموران مدارک محکمی علیه وی دارند، اعتراف کرد و گفت: من با دختر جوان رابطه داشته‌ام؛ اما امید با توجه به اینکه شاهدان دیده بودند که به طبقه بالا رفته است، همچنان بر بی‌گناهی خود پافشاری کرد و ادعا کرد هرگز آزار و اذیتی به این دختر نرسانده است. با توجه به شکایت دختر جوان و سایر مدارک موجود در پرونده، کیفرخواستی علیه آنها صادر و پرونده برای رسیدگی به شعبه هشتم دادگاه کیفری استان تهران به ریاست قاضی اصغرزاده ارسال شد. روز گذشته در جلسه رسیدگی به این پرونده، ابتدا شاکی در جایگاه ویژه ایستاد و شکایت خود را مطرح کرد سپس امیر برابر قضات ایستاد و گفت: قبول دارم که با این دختر ارتباط داشتم؛ اما او با میل خود این کار را انجام داد. چطور می‌توانستم به زور به او تجاوز کنم؛ درحالی‌که طبقه پایین مغازه ما همیشه شلوغ است و مردم در رفت‌وآمد هستند. سپس نوبت به امید رسید. او در دفاع از خود، گفت: من با این دختر رابطه‌ای نداشتم و به او آزار و اذیتی نرسانده‌ام. در پایان جلسه، قضات وارد شور شدند و امیر را به صد ضربه شلاق و امید را به ۹۹ ضربه شلاق محکوم کردند و به‌عنوان مجازات تکمیلی، رأی به اخراج هر دو نفر از ایران و بازگشت به افغانستان دادند. قاضی اصغرزاده درباره اخراج این دو نفر از کشور، گفت: دادگاه به‌عنوان مجازات تکمیلی، حضور این دو نفر را به دلیل تجاوز به ناموس ایرانیان خطرناک تشخیص داد و رأی به اخراج این دو نفر از کشور داد.

دستگیری سارقان بین‌المللی در یاسوج

● **ایرنا:** فرمانده انتظامی کهگیلویه‌وبویراحمد گفت اعضای باند سارقان حرفه‌ای بین‌المللی با تلاش مأموران انتظامی این استان در شهر یاسوج دستگیر شدند. سردار مهدی انصاری اظهار کرد: پس از وقوع چند فقره سرقت منزل به شیوه‌های مشابه در مناطقی از شهر یاسوج، مأموران اداره مبارزه با سرقت پلیس آگاهی کهگیلویه‌وبویراحمد تحقیقات ویژه‌ای را برای شناسایی و دستگیری سارق یا سارقان آغاز کردند. وی افزود کارآگاهان پلیس آگاهی کهگیلویه‌وبویراحمد با بررسی روش‌ها و زمان وقوع سرقت‌ها و استفاده از اقدام‌های فنی و پلیسی نتیجه گرفتند عمده سرقت‌ها با یک شیوه و به وسیله چند نفر انجام می‌شد و سارقان نیز از استان خارج می‌شدند. فرمانده انتظامی کهگیلویه‌وبویراحمد بیان کرد: چند شب قبل با توجه به وقوع دو فقره سرقت منزل در یاسوج چند گروه از مأموران پلیس آگاهی این استان با بررسی نامحسوس هنگام کنترل خودروهای عبوری در جاده ارتباطی یاسوج - اصفهان به یک دستگاه خودروی پژوپارس با رانندگی یک مرد و سرنشینی دو زن و یک مرد مشکوک شدند. انصاری عنوان کرد که هم‌زمان با توقف خودرو یکی از سرنشینان بسته‌ای را به بیرون پرتاب کرد که پس از دستگیری سرنشینان و پیداشدن بسته مشخص شد حاوی مقادیری طلا، جواهرات و پول است. وی ابراز کرد: متهمان در بازجویی‌های اولیه مدعی شدند این مقدار طلا را در یکی از پارک‌های یاسوج پیدا کرده‌اند اما پس از انتقال به پلیس آگاهی کهگیلویه‌وبویراحمد در بازجویی‌های بعدی به ۲۹ فقره سرقت منزل در این شهر و سرقت‌های دیگر در اصفهان، خوزستان، شهرکرد و کشورهای عراق و هند اعتراف کردند. فرمانده انتظامی کهگیلویه‌وبویراحمد گفت: در ادامه مأموران یک زن همدست این باند را نیز شناسایی و دستگیر کردند و تلاش برای دستگیری دو متهم مرد دیگر نیز ادامه دارد. سردار انصاری اظهار کرد: اموال سرقتی مکشوفه از این متهمان شامل ۴۵۵ گرم طلا، ۴۲۵ گرم بدلیجات به ارزش ۸۲ میلیون ریال، ۳۹۲ دلار و ۳۷۰ روپیه واحد پول هند است. وی افزود که پس از بازسازی صحنه سرقت‌های انجام‌شده منزل از سوی این باند در یاسوج، متهمان تحویل مراجع قضائی کهگیلویه‌وبویراحمد و روانه زندان شدند.

قتل زوج جوان به خاطر عصبانیت

شرق: متهم مدعی شد صاحبکارش درباره همسرش حرف‌های زشتی زده و همین انگیزه‌ای برای قتل زوج شده است.

مردی که در پی عصبانیت از صاحبکارش او و همسرش را به قتل رسانده بود، در تهران دستگیر شد.

ساعت ۱۲:۴۵ یکی از روزهای گرم هفته گذشته فردی در طبس با مرکز فوریت‌های پلیس ۱۱۰ تماس گرفت و گفت چندروزی است از برادرم و همسرش خبری ندارم و با توجه به ایام تعطیلی عید فطر تصورم این بود که به مسافرت رفتند اما وقتی با تلفن همراه آنها هم تماس گرفتم، جواب ندادند و همین مسئله مرا نگران کرد. برای مشخص‌شدن این مسئله به خانه برادرم رفتم و از بالای در نگاهی به داخل خانه انداختم؛ وضعیت خانه به‌هم‌ریخته بود. روی دیوارها لکه‌های خون بود و فکر می‌کنم اتفاقی برای برادرم افتاده است. با توجه به تماسی که این مرد گرفته بود، مأموران در محل حاضر شدند. در خانه قفل بود بنابراین مأموران با کسب اجازه از بازپرس کشیک، قفل در را شکستند و وارد خانه شدند.

مأموران پس از ورود به خانه با جسد زن ۳۲ساله مقابل ورودی آشپزخانه مواجه شدند و مراتب را به کارآگاهان آگاهی شهرستان و قاضی کشیک اعلام کردند با حضور کارآگاهان و بررسی جسد مشخص شد خانم ۳۲ساله به دلیل واردشدن ضربات متعدد چاقو و شکستگی جمجمه جان باخته است.

این در حالی بود که مرد جوان که ابتدا با مأموران تماس گرفته بود، اعلام کرد تلفن برادرش خاموش بوده است و نگران برادرش هم هست. کارآگاهان آگاهی برای روشن‌شدن زوایه‌های پنهان قتل خانم ۳۲ساله برای پیداکردن همسر وی وارد عمل شدند که با تحقیقات میدانی و محلی دریافتند که نامبرده آخرین‌بار در یکی از خیابان‌های اصلی در ساختمان نیمه‌سازی مشغول به حفر چاه بوده است. پس از این عوامل انتظامی در محل ساختمان حاضر شدند درحالی‌که بوی بدی فضا را پر کرده بود. وقتی به این محل رسیدند با چاهی مواجه شدند که با بلوک سیمانی و خاک پر شده بود و محل انتشار بوی بد نیز همان چاه بود. در ادامه نیروهای آتش‌نشانی در محل حاضر شدند و اقدام به تخلیه چاه کردند که با جسد مردی ۳۵ساله مواجه شدند.

پس از بررسی و تحقیقات از جسد کشف‌شده در اعماق چاه مشخص شد وی همسر خانم ۳۲ساله است که در منزل مسکونی‌اش به قتل رسیده است.

فرمانده انتظامی استان خراسان جنوبی با تأیید این خبر گفت: با توجه به بی‌سابقه‌بودن این‌گونه جرائم در استان خراسان جنوبی جلسه‌ای به طور شبانه برگزار شد و تیمی از کارآگاهان اداره جرائم جنایی آگاهی استان و شهرستان طبس مأمور رسیدگی به پرونده قتل زوج طبسی شدند.

فرمانده انتظامی استان خراسان جنوبی ادامه داد: در همان ابتدای رسیدگی و تحقیقات کارآگاهان پنج نفر که در آخرین روزهای زندگی با این زوج در تماس بودند، بازجویی شدند و کارآگاهان به شاگرد مقتول شک کردند؛ بنابراین با هماهنگی قضائی به محل سکونت او مراجعه کردند، اما با در بسته منزلش مواجه شدند.

به گفته سردار «شجاع»، کارآگاهان در تحقیقات میدانی و با استفاده از شگردهای پلیسی دریافتند فرد تحت تعقیب با خودروی پرایدی که متعلق به مقتول بوده، از شهرستان طبس خارج شده است.

وی ادامه داد: کارآگاهان با گرفتن نیابت قضائی به یکی از استان‌های شمالی مراجعه کردند که تحقیقات میدانی و استفاده از شگردهای خاص پلیسی نشان داد متهم به استان تهران متواری شده است بنابراین تیم عملیاتی استان به تهران عزیمت کرد که حوالی غروب در عملیات ضربتی متهم به همراه همسرش در قلهک تهران دستگیر و به استان منتقل شد.

وی عنوان کرد: متهم (ر) در مقابل کارآگاهان و دوربین انتظامی اعتراف‌های هولناکی از قتل زوج طبسی بیان و اظهار کرد: مدتی با مقتول کار می‌کردم و او دستمزدم را به طور هفتگی به همسرم می‌داد، ولی آخرین‌بار و قبل از جنایت به پیشنهاد خودم دستمزد هفتگی‌ام را به حسابم واریز کرد تا اینکه همسرم با مقتول تماس گرفت که چرا پول را مثل همیشه به خودم ندادی که همین موضوع به درگیری لفظی بین آنها منجر شد.

متهم اظهار کرد که پس از آن مقتول با من تماس گرفت و حرف‌های رکیکی درباره همسرم زد و گفت اگر جای تو بودم، این زن را طلاق می‌دادم. آن روز تمام شد درحالی‌که به خاطر صحبت‌های مقتول اعصابم به هم ریخته بود.

متهم به قتل زوج طبسی در ادامه اعترافاتش گفت که ساعت ۱۵ روز بعد آماده شدم تا سر کار بروم، چون به علت گرمای شدید هوا در طبس کار من بعدازظهر شروع می‌شد. وقتی به محل ساختمان رسیدم، مقتول پایین چاه بود که همان ابتدا به خاطر حرف‌هایی که درباره همسرم گفته بود، درگیری لفظی بین ما شروع شد و من هم از بالا چند بلوک سیمانی به داخل چاه انداختم و بعد از آن پاکت سیمان و گچ و مقداری خاک داخل چاه ریختم و او را زنده در چاه دفن کردم.

متهم به قتل عنوان کرد: پس از این کار به خانه خودم برگشتم و حوالی ساعت ۲۲:۳۰ به بهانه‌ای از خانه بیرون رفتم و پیکوری را که متعلق به مقتول بود برداشتم و به منزل وی بردم.

گوشی مقتول در دستم بود و خانمش مدام تماس می‌گرفت و من هم مثل همیشه که بعد از کار، پیکور را به منزل مقتول می‌بردم، این کار را انجام دادم و زنگ خانه او را زدم که همسرش در را باز کرد. وارد شدم و شروع به روغن‌کاری پیکور کردم که هنگام کار همسر مقتول پرسید از (ح) خبری نداری که پاسخ دادم نه، اما او بلافاصله در جوابم گفت: نکند بلایی سرش آورده‌ای که با این حرف نیم‌نگاهی با خشم به او کردم و شستم خبردار شد که مقتول موضوع درگیری لفظی خود با همسر من را به همسرش گفته است.

متهم ادامه داد: اعصابم به هم ریخت و با مته پیکور ضربه‌ای به صورت او زدم که خون کف حیاط را پر کرد. هنوز هوشیاری داشت که خود را به سختی به داخل هال کشاند و قصد داشت تماس تلفنی برقرار کند که با او درگیر شدم و با مته پیکور ضربه‌ای به پشت سرش زدم که خون زیادی ریخت و سپس چاقو را برداشتم و چند ضربه پی‌درپی به نقاط مختلف بدنش وارد کردم.

متهم عنوان کرد: تمام لباس‌های من خون‌آلود شده بود، آنها را بیرون آوردم و چاقو و مته را بین لباس‌ها پیچاندم و سپس با خودروی مقتول به منزل خودم رفتم و همسر و بچه‌ام را برداشتم و به یکی از استان‌های شمالی فرار و در آنجا خودرو را پارک کردم و با استفاده از اتوبوس به تهران رفتم و هنوز کابوس کشتن آن دو نفر مقابل چشمانم بود که حوالی غروب در تهران در محاصره مأموران گرفتار شدم.

سردار «شجاع» پس از تشریح چگونگی قتل‌ها از زبان متهم، خاطرنشان کرد: بازسازی صحنه‌های جرم با حضور متهم انجام و پرونده به مراجع قضائی ارسال شد.

گفت‌وگو با جوان قاتلی که با کمک خیّران آزاد شد

قتل مثل سونامی زندگی آدم را ویران می‌کند

شرق، شاهد حلاج: پنج سال قبل وقتی محمد در حمایت از برادرش وارد درگیری شد، نمی‌دانست این میانجیگری خشن می‌تواند او را تا پای قصاص بکشاند.

محمد که در آن زمان ۲۵ ساله بود، برای اینکه به برادرش کمکی کرده باشد، وارد دعوا شد بدون اینکه بداند طرفین دعوا چه کسانی هستند. در همین حین یکی از شرکت‌کنندگان در نزاع با ضربه‌ای که محمد وارد کرد، جانش را از دست داد و مرد جوان بازداشت شد. محمد بعد از محاکمه به قصاص محکوم و این رأی در دیوان عالی کشور تأیید شد. محمد و خانواده‌اش در این پنج سال روزهای پرالتهابی را پشت سر گذاشتند. اما در نهایت با درج خبر درخواست کمک از سوی محمد و خانواده‌اش، خیران به کمک آنها رفتند و محمد موفق شد رضایت اولیای دم را جلب کند و چندی‌پیش از زندان آزاد شود. گفت‌وگویی کردیم با او تا برایمان از آنچه اتفاق افتاد و روزهایی که پشت سر گذاشته است، بگوید. این گفت‌وگو را می‌خوانید.

◄ الان که ماجرا تمام شده و خطر جانی تو را تهدید نمی‌کند، درباره دلیل و انگیزه قتل بگو.

در این پنج سال خودم هم هنوز نمی‌دانم چه شد که قتل اتفاق افتاد. آن روز سر کوچه بودیم و داداشم داشت پنچری ماشینش را می‌گرفت. پسرعمویم دعوایش شده بود و برادرم هم در حمایت از پسرعمویم درگیر شده بود. دعوا چند مرحله داشت؛ دفعه اول و دوم دعوا آنها را جدا کردیم و دفعه آخر دوباره آنها از ته کوچه به سر کوچه آمدند. من هم رفته بودم ماشینم را پارک کنم که متوجه شدم دوباره درگیری شده و با عجله به سمت محل درگیری رفتم که دیدم برادرم گردنش خونی است و روی زمین افتاده است. آن لحظه فکر کردم که شاهرگ گردن برادرم را زده‌اند؛ به همین خاطر دیگر کنترلم را از دست دادم و رفتم وسط دعوا. بعدها فهمیدم که برادرم صورتش زخمی شده و خون که جاری شده، روی گردنش آمده بود و من به اشتباه فکر کردم که شاهرگ گردن او را زده‌اند.

وسط جمعیت که رفتم، یکی چاقو داشت و من با او درگیر شدم و چاقو را از او گرفتم و بعد که بلند شدم دیدم یکی از آنها افتاد. به همین سادگی و سر یک اشتباه کوچک من آدم کشتم درحالی‌که اصلا نمی‌دانم دعوا سر چه بوده است. باور می‌کنید هنوز که هنوز است و پنج سال از ماجرا می‌گذرد، نمی‌دانم دعوا سر چه بود و آن پسرعمویم که برادرم و من به خاطرش دعوا کرده بودیم، نه‌تنها در مدتی که زندان بودم، سراغی از من نگرفت و کمکی نکرد بلکه الان هم که آزاد شده‌ام، نیامده بگوید جریان چه بوده است. فقط این را بگویم که به خاطر تعصب بی‌مورد سر پسرعمویم، آن بیچاره کشته شد و خود من هم پنج سال از بهترین روزهای جوانی و عمرم را در زندان گذراندم و خانه و زندگی‌ام از دست رفت و الان هم بی‌کار و افسرده هستم. با وجود این، همین که زنده ماندم، خدا را شکر می‌کنم از شرایط زیر حکم به اینجا رسیدم و اگر بی‌کاری دو، سه ماه باشد، مهم نیست و تحمل می‌کنم.

◄ چطور دستگیر شدی؟

سه روز فراری بودم و به تهران آمده بودم. به‌خاطر عذاب‌وجدان به کرمانشاه برگشتم و خودم را معرفی کردم، در آن سه روز هم در میدان آزادی و کوچه‌ها می‌گشتم و پریشان بودم، نمی‌دانستم چه می‌کنم و کجا می‌روم.

◄ چطور متوجه شدی فردی که مجروح شده، فوت کرده است؟

بعد از درگیری برادرم را به بیمارستان برده بودم که یکی از دوستانم زنگ زد و گفت آن بنده خدا فوت کرده است؛ باورم نمی‌شد، هنوز هم باورم نمی‌شود آدم کشته باشم و امیدوارم از خواب بیدار شوم چون خیلی زجر کشیدم.

◄ آیا قبل از آن دعوا کرده بودی؟

نه اصلا، این اولین و آخرین دعوایی بود که کردم. می‌توانید از خانواده و اطرافیان بپرسید در این ۳۰ سال عمرم اصلا اهل این چیزها نبودم.

◄ در پنج‌سالی که در زندان بودی، چه کردی؟

در این مدت دلهره داشتم؛ قبلش که استرس داشتم حکم چه می‌شود؛ بعد از آنکه حکم آمد هم هفته‌ای یک بار که برای اجرای حکم می‌آمدند دعا می‌کردم که اسمم در فهرست نباشد و اولیای دم رضایت بدهند. حتی گاهی راضی بودم که زودتر بیایند، ببرند و اعدامم کنند تا از این استرس و وضعیت خلاص شوم. بعد هم که قبول کردند در ازای دریافت پول رضایت بدهند باز استرس داشتم که این همه پول را از کجا بیاورم. خانه‌مان را فروختیم، ماشینم را فروختم و با هزار بدبختی از این‌ور آن‌ور جور کردیم.

◄ پولی که اولیای دم خواسته بودند، چطور فراهم شد؟

خیلی سخت بود و اعصاب‌خردی داشت؛ حدود ۱۵۰ میلیون را با فروش خانه و وانتم فراهم کردیم، بخشی را اقوام کمک کردند و ۴۰ میلیون هم با کمک شبکه‌های اجتماعی و خیران برایم فراهم شد، خلاصه با هزار مشکل پول تهیه شد.

◄ آیا در زندان شغلی یاد گرفتی؟

نه، متأسفانه نتوانستم. در تمام مدت زندان درگیر مسئله حکم و رضایت بودم و بعد هم فراهم‌شدن پول. اصلا امیدی به زنده‌بیرون‌آمدن از زندان نداشتم که بخواهم حرفه‌ای یاد بگیرم. من قبل از این ماجرا وانت داشتم و راننده بودم و الان هم که آزاد شده‌ام، همان رانندگی را بلدم.

◄ آیا فکر می‌کردی روزی آدم بکشی؟

به خدا نه، الان هم باورم نمی‌شود و امیدوارم از خواب بیدارم کنند و زمان پنج سال به عقب برگردد؛ این سال‌ها برای من و خانواده‌ام خیلی سخت بود. من به همه چیز فکر می‌کردم غیر از اینکه روزی آدم بکشم. فکر می‌کردم معتاد شوم، تصادف کنم، بمیرم، حتی به این فکر می‌کردم که کشته شوم اما کشتن نه؛ هرگز. تنها پیش‌بینی‌ای که نداشتم این بود ولی الان می‌گویم ممکن است برای هر کسی پیش بیاید که آدم بکشد؛ فقط یک لحظه است.

◄ الان که آزاد شده‌ای، چه برنامه‌ای داری؟

اولش خیلی کلافه بودم، گاهی فکر می‌کنم زندان بهتر بود، اما در نهایت فکر می‌کنم باید شغلی پیدا کنم چون ۶۰ میلیون تومان قرض دارم و وام هم بدهکارم که باید تسویه کنم و بعد هم می‌خواهم تشکیل خانواده بدهم.

◄ این ماجرا چه تأثیری در زندگی تو و خانواده‌ات داشت؟

نه‌تنها من، بلکه هرکسی که درگیر چنین ماجرایی شود مثل سونامی است که کل زندگی‌اش ویران شود.

◄ عده‌ای وقتی حرف از آزادی و تلاش برای رهایی از قصاص محکومان می‌شود، این سؤال را می‌پرسند که از کجا معلوم بعد از آزادی دوباره مرتکب قتل نشوند؟

اصلا این‌طور نیست، کسی که این ویرانی را که گفتم پشت‌سر بگذارد، وقتی بیرون بیاید سرش در لاک خودش است، کسی که آن دلهره هر شب زندان را گذرانده باشد که الان می‌آیند و برای اعدام می‌برندش به نظر من پایش را کج نمی‌گذارد و اگر کسی در گوشش بزند، رویش را آن‌طرف می‌کند که یکی هم آن‌ور بزند، نه ممکن نیست کسی که همه سختی و بدبختی زندان را گذرانده دوباره این کار را تکرار کند.

◄ توصیه‌ات به کسانی که مصاحبه تو را می‌خوانند چیست؟

اگر کسی فحش و دشنام داد و یکی هم در گوشتان زد، رویتان را برگردانید یکی هم آن‌طرف بزند و بعد از طریق قانون موضوع را پیگیری کنید. یک لحظه عصبانیت و غفلت ارزشش را ندارد، شاید باور نکنید، با این کار من، بیش از ۵۰ نفر از خانواده ما درگیر شدند و زندگی‌شان تحت‌تاثیر قرار گرفت، خواهرانم، دامادمان، پدر و مادرم و.... تنها خود آدم نیست که بگوید زندگی خودم است، خودم را بدبخت کردم، به طور ناخواسته خیلی‌ها درگیر شدند.

◄ برای آزادی تو افراد زیادی در شبکه‌های اجتماعی مبالغی؛ از ۱۰ هزار تومان تا چندصد هزار تومان واریز کردند تا بخشی از مبلغ درخواستی اولیای‌دم فراهم شد. آیا می‌خواهی چیزی به آنها بگویی؟

دست تک‌تک آنها را می‌بوسم و اگر امکانش فراهم شود حاضرم برای تک‌تکشان جبران کنم، زمانی که قرار شد این کار انجام شود فکر نمی‌کردم پول جمع شود؛ اما امیدوار بودم و اگر شما فهرست افرادی که به من کمک کردند را بدهید قول می‌دهم هروقت وضعم خوب شد و در توانم بود، از خجالتشان دربیایم، آنها خیلی بزرگواری کردند و برای خودشان و خانواده‌شان آرزوی سلامتی دارم و قول می‌دهم از اینکه به من کمک کردند پشیمان نشوند.

پنج قاره

۳۱ زخمی و ۱۷ ناپدید در تصادف و آتش‌سوزی اتوبوس با کامیون

● **اشپیگل:** بر اثر تصادف و آتش‌سوزی یک اتوبوس مسافربری در آلمان، ۳۱ نفر زخمی و ۱۷ نفر ناپدید شدند.

این تصادف در ایالت بایرن و صبح روز دوشنبه روی داد و احتمال داده می‌شود افراد ناپدیدشده، در آتش‌سوزی فوت کرده باشند. این اتوبوس پس از تصادف با یک کامیون در اتوبان ۹، در مسیر جنوب آلمان در ایالت بایرن آتش گرفت و کاملا سوخت. در این تصادف ۳۱ نفر به‌شدت زخمی شدند و آسیب جدی دیده‌اند.

براساس گزارش پلیس آلمان، ۱۷ نفر دیگر از مسافران هنوز ناپدید هستند. بقیه مسافران اکنون تحت اقدامات و تدابیر پلیس قرار دارند. سخنگوی پلیس می‌گوید این امکان وجود دارد که مسافران ناپدیدشده نتوانسته‌اند خود را از آتش‌سوزی اتوبوس نجات دهند. در مجموع در این اتوبوس ۴۶ مسافر و دو راننده حضور داشتند. براساس یافته‌های اولیه، این اتوبوس به سمت نورنبرگ در حرکت بوده و در ساعت هفت صبح با کامیون تصادف کرده است؛ اما هنوز مقصد دقیق اتوبوس و تعداد دقیق مسافران روشن نیست.

ازدواج با عروس شخصیت تخیلی مجازی ژاپن

● **اسپوتنیک:** یک جوان ژاپنی با شخصیتی مجازی که وجود خارجی ندارد، ازدواج کرده و سوژه کاربران شبکه‌های اجتماعی شده است. ویدئوی مراسم ازدواج این مرد جوان ژاپنی با یک دختر از دنیای مجازی، در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است. نکته جالب اینجاست که تا پیش از این، ازدواج با حیوانات، پیتزا، افراد مرده و حتی اتومبیل نیز به ثبت رسیده بود؛ ولی ازدواج با آنچه وجود ندارد، حرکت جدیدی است که این جوان ژاپنی با انجام آن بسیاری از کاربران را حیرت‌زده کرده است. در توضیحات این ویدئو گفته می‌شود این مراسم ازدواج در توکیو بوده و داماد در حال قسم‌خوردن برای آغاز یک زندگی مشترک با نامزد خود در دنیای مجازی است. این مراسم از طریق عینک واقعیت مجازی که داماد به چشمان خود زده بود، صورت گرفت. گزارش‌ها حاکی است به‌تازگی شمار بیشتری از مردان جوان در این کشور به ازدواج با شخصیت‌های مجازی تمایل پیدا کرده‌اند.

سقوط بالگرد امداد و نجات در اندونزی

● **رویترز:** مقامات داخلی اندونزی از سقوط یک فروند بالگرد امداد و نجات و کشته‌شدن هشت سرنشین آن خبر دادند. بنابر اعلام مقامات داخلی اندونزی، این بالگرد امدادی قصد کمک به تخلیه تعدادی از ساکنان نزدیک به یک آتشفشان فعال را داشته که دچار حادثه شده و همه هشت سرنشین آن جان خود را از دست دادند. این بالگرد حدود سه دقیقه پیش از آنکه به محل فوران آتشفشان برسد و به حداقل ۱۰ مجروح این حادثه کمک کند، سقوط کرد.

گفته شده این بالگرد با یک صخره برخورد کرده است. بنابر اعلام سخنگوی آژانس مقابله با بلایای اندونزی، این کوه آتشفشانی روز گذشته (دوشنبه) فوران کرد که باعث شد مواد مذاب و خاکستر تا ارتفاع ۵۰متری در هوا پخش شود. فوران ناگهانی آتشفشان در حالی اتفاق افتاد که ۱۷ گردشگر در نزدیکی این آتشفشان بودند. در پی وقوع حادثه، نیروهای پلیس و سربازان به محل اعزام شده و از ساکنان و گردشگران درخواست شد محل را به دلیل احتمال فوران مجدد ترک کنند.

شرکت ملی نفت ایران
شرکت نفت فلات قاره ایران

آگهی تجدید مناقصه
شماره مجوز ۱۳۹۶/۱۵۰۶
نوبت دوم

مناقصه عمومی دو مرحله ای شماره ۹۴/۱۰۹۸/م ع ل/ت ۲
تعمیر اساسی دیگ بخار ۳۰ تنی شماره ۶ منطقه لاوان

شرکت نفت فلات قاره ایران - منطقه لاوان در نظر دارد اجرای پروژه فوق الذکر را طبق شرح کار تدوین شده از طریق مناقصه عمومی دو مرحله ای و به مدت ۲۶۰ روز به پیمانکار واجد شرایط به شرح ذیل واگذار نماید:
الف) شرح عملیات اجرایی : تعمیر اساسی دیگ بخار ۳۰ تنی شماره ۶ منطقه لاوان (Water tube صنعتی)
ب)محل اجرای کار : استان هرمزگان ، جزیره لاوان
ج) مدت انجام کار : ۲۶۰ روز
د) شرایط متقاضی:
۱ -توانایی ارائه ضمانتنامه شرکت در فرآیند ارجاع کار به مبلغ ۹۰۰.۰۰۰.۰۰۰ ریال (نهصد میلیون ریال)
۲ -توانایی ارائه ضمانتنامه اجرای تعهدات به میزان ۱۰ ٪ مبلغ کل قرارداد منعقده در صورت برنده شدن و نیز کسر ۱۰٪ از هریک از پرداخت های قراردادی جهت تضمین حسن انجام کار
۳ - داشتن امکانات ، توانایی و تخصص در موضوع مناقصه
هـ) سایر شرایط :
۱- به تقاضاهای مشروط و مبهم و ناقص و یا مغایر با شرایط مندرج در این آگهی و تقاضاهایی که بعد از مهلت مقرر دریافت گردد، ترتیب اثر داده نخواهد شد.
۲-پیشنهادات مالی باید حداقل سه ماه پس از وصول پیشنهادات به کمیسیون مناقصات شرکت نفت فلات قاره ایران دارای اعتبار باشد.
۳- شرکت نفت فلات قاره ایران در رد یا قبول هریک یاتمام پیشنهادات بدون آنکه محتاج به ذکر دلیل باشد مختار خواهد بود .
تبصره: هزینه خرید اسناد مناقصه ۸۵۰.۰۰۰ ریال می باشد که متقاضیان میبایست مبلغ مذکور را به حساب جاری سیبا شماره ۰۱۰۵۹۹۴۶۵۴۰۰۰ بانک ملی ایران بنام شرکت نفت فلات قاره ایران /منطقه لاوان واریز و فیش واریزی را به همراه درخواست کتبی خود ارسال نمایند.
لذا متقاضیان واجد صلاحیتی که دارای شرایط به شرح فوق بوده و آمادگی جهت انجام خدمات فوق را دارا میباشند ، می توانند حداکثر تا ده روز پس از انتشار آگهی نوبت دوم ، ضمن ارائه درخواست کتبی و ارسال فیش خرید اسناد مناقصه همراه با مدارک مشروحه ذیل جهت دریافت اسناد مناقصه به شرکت نفت فلات قاره - منطقه لاوان به نشانی استان هرمزگان جزیره لاوان، کمپ رشادت ، ساختمان اداره مرکزی جدید شرکت نفت فلات قاره منطقه لاوان، طبقه فوقانی ،واحد امور حقوقی و قراردادها مراجعه نمایند و یا نسبت به ارسال مدارک از طریق پست به آدرس : تهران، خیابان ولی عصر، بالاتر از مسجد بلال، نرسیده به تقاطع شهید مدرس، خیابان تورج، شماره ۱۲، شرکت نفت فلات قاره ایران، طبقه همکف ،واحد پست ،جهت ارسال به منطقه لاوان اقدام نمایند که متعاقبا اسناد مناقصه به شرکت های متقاضی تحویل میگردد.
۱ -اساسنامه شرکت
۲ -آگهی های ثبت، تاسیس و تغییرات روزنامه رسمی
۳ - اعلام آمادگی و معرفی نامه شرکت متقاضی جهت دریافت اسناد
۴ -ارائه مدارک مثبته مبنی بر انجام کار مشابه (نمونه های قرارداد اجرایی مشابه در خصوص (Water tube صنعتی)
ضمنا محل و زمان تحویل و گشایش پیشنهادها در اسناد مناقصه قید میگردد و متقاضیان می توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر با تلفن ۲۳۹۴۵۰۲۴-۰۲۱ تماس حاصل نمایند.
روابط عمومی شرکت نفت فلات قاره ایران